



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نواهی

تاریخ: ۵/ مهر/ ۱۳۹۹

مصادف با: ۸ صفر ۱۴۴۲

موضوع جزئی: تنبیهاات اجتماع امر ونهی - تنبیه اول - عبادات مکروهه -

راه حل ششم در قسم اول - کلام امام خمینی و بعضی از بزرگان و بررسی آنها - نظر مختار

جلسه: ۱۰

سال دوازدهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

در بحث از عبادات مکروهه عرض کردیم اقسام سه گانه‌ای را محقق خراسانی ذکر کرده‌اند و در هر یک از اقسام سه گانه راه حل‌هایی را ارائه دادند. بحث در قسم اول بود یعنی عباداتی که در آنها نهی متعلق به عبادت شده است و در عین حال بدل هم برای آنها وجود ندارد، مثل روزه روز عاشورا. تا کنون شش راه حل برای حل مشکل عبادات مکروهه ذکر کردیم، آخرین راه حل این بود که نهی تنزیهی که متعلق به عبادت شده است، حمل بر ارشاد می‌شود، منتهی از آنجا که در قسم دوم یعنی مثل نماز در حمام، نیز یک راه حل چهارمی ذکر شده است که بر اساس آن نهی متعلق به نماز در حمام، هم حمل بر ارشاد می‌شود و یک تفاوتی بین نهی ارشادی متعلق به روزه روز عاشورا و نهی ارشادی متعلق به نماز در حمام وجود دارد مناسب است اشاره‌ای به تفاوت داشته شود. یعنی کأنه در روزه روز عاشورا نهی ارشادی است و در حقیقت ارشاد می‌کند به تحصیل آن عنوان راجح، اعم از اینکه آن عنوان ملازم با ترک صوم باشد یا منطبق بر آن باشد و ترک صوم مصداق آن محسوب می‌شود، پس مرشدالیه در قسم اول، ترک طبیعت مأموریه و ترک صوم است. همین نهی ارشادی با همین بیان در نماز در حمام هم جاری می‌شود به علاوه یک راه دیگری نیز برای آن تصویر می‌شود، بر طبق آن راه دیگر مرشدالیه ترک نیست بلکه مرشدالیه اتیان الطبیعه فی ضمن سایر مصادیق هذه الطبیعه است، یعنی کأنه وقتی مولا می‌گوید: لاتصل فی الحمام، یعنی می‌خواهد بگوید اگر می‌خواهی ثواب بیشتری نصیب تو شود نماز را در بیرون از حمام بخوان در خانه بخوان یا در مسجد بخوان، این یک تفاوتی است که اینجا بین این دو قسم وجود دارد اما اجمالا قدر مشترک این دو راه علاوه بر که نهی تنزیهی حمل بر ارشاد می‌شود، ارشاد به اقلیت ثواب است، یعنی وقتی مولا می‌گوید: لاتصم یوم العاشور، یعنی این نهی ارشاد می‌کند به اینکه مصلحت بیشتر در گرو ترک صوم است؛ صوم ثواب دارد ولی ثوابش کمتر از ترک صوم است، لاتصل فی الحمام نیز ارشاد می‌کند به اینکه مأموریه اگر در ضمن سایر مصادیق اتیان شود ثوابش بیشتر است، این فرد ثوابش کمتر است، پس صرف نظر از تفاوتی که از جهت مرشدالیه بین این دو نهی ارشادی وجود دارد، اما یک قدر مشترکی وجود دارد، کأنه در هر دو این نهی ارشاد به اقلیت ثواب است. علی‌ای حال عرض کردیم که این راه حل از ناحیه بعضی از اعظام و بزرگان پذیرفته شده و به عنوان توجیه عبادات مکروهه در قسم اول عبادات مکروهه ارائه شده است.

کلام امام خمینی

از جمله کسانی که این راه را ذکر کردند امام خمینی است، (البته بدون ذکر این دو نوع نهی ارشادی و اینکه محقق خراسانی در قسم اول یک نوع تبیین برای نهی ارشادی دارند و در قسم دوم اضافه بر آن تقریر یک تقریر دیگری نیز برای نهی ارشادی ذکر کردند که ما هر دو را گفتیم و تفاوت آن را نیز اشاره کردیم)، امام خمینی به طور کلی می‌فرماید: «فالعامة هو الجواب اما تعلق النهی بذاتها و لا بدل لها كصوم يوم العاشور» جواب چیست؟ ایشان در کلیه عبادت‌های مکروهه این راه را ذکر می‌کند و فرقی بین قسم اول و دوم و سوم نیز ذکر نمی‌کند، می‌فرماید به طور کلی جواب در عبادات مکروهه این است که بگوییم نهی متعلق شده به یک عنوان که آن عنوان منطبق بر صوم است مثل تشبه به بنی‌امیه، پس کأنه مأمور به ذات الصوم است و منهی عنه تشبه به بنی‌امیه است، لکن از آنجا که عنوان تشبه به بنی‌امیه بر صوم منطبق شده است و ترک تشبه اهم از صوم است، «نهی عنه ارشادا الی ترک التشبه»، نهی شده از صوم، لاتصم يوم العاشور، این نهی تنزیهی است و متعلق شده به صوم، ولی این نهی ارشاد می‌کند به ترک تشبه، ارشاد می‌کند به ترک تشبه، طبق بیانی که از محقق خراسانی نقل کردیم مرشد الیه نهی از ترک طبیعت مأمور به است، اما به نظر امام خمینی مرشد الیه ترک تشبه است، درست است که به حسب ظاهر نهی به صوم خورده، لاتصم يوم العاشور، روزه نگیرید در روز عاشورا ولی این نهی ارشاد الی ترک التشبه می‌کند، فرق می‌کند، اینکه این نهی می‌کند و ارشاد می‌کند به ترک طبیعت، یعنی ارشاد می‌کند به مخالفت با بنی‌امیه، تعبیرها یک تفاوت‌های اینچنین دارد، اینکه بگوییم مرشد الیه ترک صوم است، ترک طبیعت است یا بگوییم مرشد الیه ترک تشبه است، به نظر می‌رسد که آنچه با این بیان و مبنا سازگارتر است این است که بگوییم نهی از عبادت، نهی که به صوم خورده است در واقع نهی ارشادی است که ارشادش به آن ترک تشبه است، یعنی کأنه می‌خواهد بگوید آن ترک ثوابش بیش از فعل است، مخالفت با بنی‌امیه و ترک تشبه به آن ثوابش بیش از خود فعل صوم در چنین روزی است، بدون اینکه امام خمینی فرق بگذارند بین قسم اول و دوم، در حالیکه در قسم اول محقق خراسانی می‌گوید: فقط یک تقریر از این دو تا جریان پیدا می‌کند، ظاهر کلام امام خمینی نیز این است که در قسم اول نیز آن تقریر دوم نهی ارشادی را جاری می‌داند، محقق خراسانی این تقریر را ارائه داد که نهی در آن ارشاد به ترک طبیعت مأمور به است اما طبق تقریر دوم مرشد الیه اتیان الطبیعه ضمن سایر الخصوصیات است.^۱ ظاهر کلام امام خمینی این است که همان بیانی که در قسم دوم بیان شده، آن بیان را در قسم اول نیز جاری می‌داند.

نظیر این راه حل را بعضی از بزرگان نیز بیان کردند

سوال:

استاد: امام خمینی اینجا اشاره به این نکرده است که اینجا بدل ندارد زیرا آنجا در حقیقت اتیان به سایر افراد است، امام خمینی نمی‌گوید اتیان به سایر افراد بکند، امام خمینی می‌گوید: ترک تشبه بکند، ترک تشبه اولی است.

کلام بعضی از بزرگان

ایشان می‌فرماید: راه حل عبادات مکروهه این است که بگوییم: صوم فی نفسه مستحب است، به نحو عموم استغراقی. یعنی روزه هر روز مستحب بذاته، در طول سال غیر از رمضان و آن دو روز همه روزهای سال روزه‌اش مستحب است، این روزه بدلی نیز ندارد، روزه روز سوم ماه صفر لا بدل له، روزه روز چهارم لا بدل له، همه روزهای سال روزه‌اش مستحب است و بدل هم ندارند، منتهی

^۱ مناهج الوصول، ج ۱، ص ۱۲۲.

بعضی از افراد صوم با خصوصیات و اموری همراه هستند که باعث شده مصلحت آنها کمتر باشد و ثوابشان از سایر افراد کمتر شود، در عین اینکه ثوابشان کم می‌شود ولی بر آن استحباب خودشان باقی هستند، مثلا روزه روز عاشورا به عنوان امر استحبابی به عنوان روزه یک روز، استحبابی دارد، اما از آنجایی که معمولا بین نوع مکلفین متعارف نیست که هر روز روزه بگیرند، بعضی از روزها در طول سال روزه نمی‌گیرند و نهایتا بعض روزها را در سال روزه می‌گیرند، اینجا وقتی نهی متعلق می‌شود به روزه روز عاشورا در واقع این نهی متعلق می‌شود به آن فردی که یک منقصد و حزازی در آن است و در واقع این نهی ارشاد می‌کند به اولویت غیر هذا الفرد بدلا عنه.

ان قلت: اینجا فرض این است که بدل ندارد، صوم یوم العاشور بدل ندارد.

قلت: اینجا گویا امر و نهی، اینگونه بیان شده است، اترک صوم هذا الیوم و صم فی غیره لانه اکثر ثواب منه، روزه این روز را ترک کن و روزه بقیه روزها را بگیر چون ثوابش بیشتر است. پس این نهی ارشادی به لحاظ حالت متعارف مکلفین است، یعنی می‌خواهد بگوید: اگر بدلی اینجا تصویر می‌کنیم، یک بدل طولی است که به حسب بنای عملی نوع مکلفین ایجاد می‌شود نه بدل عرضی که در مقام جعل حکم از ابتدا بدلی برای آن گذاشته شده باشد، روزه روز عاشورا لابد له، به حسب جعل هیچ بدلی ندارد، روزه روز عاشورا فقط همین یک روز است و در روزهای یازدهم و نهم محرم نمی‌شود آن روزه را گرفت ولی ایشان در واقع با اتکاء به سیره و بنای عملی مکلفین و اینکه به طور متعارف همه روزها را روزه نمی‌گیرند، بلکه بعضی از روزها را روزه می‌گیرند و بعضی از روزها را نمی‌گیرند، کانه یک بدل طولی درست می‌کند، در مقام جعل هیچ بدلی نیست و کل فرد من الصوم مستحب فی نفسه، می‌شود ۳۳۳ روزه مستحب که به حسب جعل هیچ بدلی برایشان نیست بلکه چون مکلفین همه روزها را روزه نمی‌گیرند. این نهی در واقع می‌خواهد بگوید کانه روزه روز عاشورا را از آن روزهایی قرار بده که روزه نمی‌گیری، بقیه روزها را روزه بگیرد، زیرا ثواب روزه غیر روز عاشورا بیشتر از است از ثواب روزه روز عاشورا.^۱

اینکه این راه حل به خصوص در مورد آنچه که دارای بدل نیست ارائه شود، با توجه به این توضیحی که از بعضی از بزرگان ذکر شد، به نوعی می‌تواند یک توجیهی باشد.

بررسی کلام امام خمینی و بعضی از بزرگان

ملاحظه کردید که چطور می‌شود راه حلی را ذکر کنیم که این راه فقط می‌تواند در فرضی جاری شود که دارای بدل است، اگر گفتیم نهی در حقیقت ارشاد است به اتیان به سایر مصادیق و افراد، به جهت این است که سایر افراد و مصادیق مصلحت و ثواب بیشتری دارند، نهی از نماز در حمام در واقع ما را ارشاد می‌کند به اینکه نماز را در اتاق یا مسجد بخوانیم، اینجا بدل را می‌توان تصویر کرد، اما در صوم یوم العاشور چه؟ این صورت که بدل ندارد، چطور می‌خواهیم این بیان را در اینجا تطبیق دهیم، این رأی و نظر بر این اساس استوار است، آنچه که از بعضی از بزرگان نقل کردیم در واقع بر این اساس استوار است که کانه یک بدلی را برای صوم یوم العاشور تصویر می‌کند، اما نه به حسب مقام جعل بلکه به حسب حالات متعارف مکلفین که در همه سال روزه نمی‌گیرند، بلکه بعضی را می‌گیرند و بعضی را نمی‌گیرند.

^۱ منتهی الاصول، ج ۳، ص ۱۲۶.

بالاخره ما مواجهیم با یک راه حلی که بر اساس این راه حل نهی متعلق به عبادت حمل بر ارشاد شده است، حال عمدتاً بحث ما در قسم اول است، یعنی عباداتی که بدل ندارند، لاتصم یوم العاشور، می‌خواهیم ببینیم آیا حمل این نهی بر ارشاد به آن بیانی که محقق خراسانی در خصوص قسم اول گفتند جاری می‌شود یا علاوه بر آن به همان بیانی که در قسم دوم یعنی نماز در حمام ذکر شده است در آن هم جاری شود؟

ملاحظه فرمودید که امام خمینی به طور کلی فرمودند که این نهی حمل بر ارشاد می‌شود و تفکیکی بین قسم اول و بقیه اقسام نکردند و طبق بیان ایشان، این نهی ارشاد به ترک به تشبه است (زیرا عمده می‌گویند این را باید حمل کنیم بر ارشاد زیرا اگر بدل داشته باشد یا از قبیل نماز در موضع تهمت باشد خیلی مشکل ندارد، این مشکل دارد که آن را اینطور حل می‌کنند.) اما محقق خراسانی در قسم اول فقط همان بیانی که ما گفتیم را ذکر کردند و در قسم دوم می‌گویند که هر دو بیان جاری است.

بعضی از بزرگان نیز به طور کلی می‌فرمایند: نهی در عبادات مکروهه حمل بر ارشاد می‌شود. فقط مشکل در رابطه با عبادتی است که بدل ندارد، زیرا سوال این است که چطور می‌خواهد این نهی ارشاد کند به اینکه شما افراد دیگری را بیاورید، چون ثوابشان بیشتر است؟ اینجا بدلی وجود ندارد، چطور می‌خواهد ارشاد کند به افراد با مصلحت و ثواب بیشتر، این هم اینطور توجیه می‌کند که درست است که بدل ندارد اما این بدل به حسب مقام جعل است که وجود ندارد، اما به حسب حالات مکلفین و روش متعارف آنها می‌توانیم به یک نحوه بدلیت طولی تصویر کنیم و دیگر مشکلی نیست لذا وقتی مولا می‌گوید: لاتصم یوم العاشور، در واقع ارشاد می‌کند به صوم سایر روزها که ثواب بیشتری دارند.

این بیان با بیانی که ما عرض کردیم به عنوان راه حل ششم فرق دارد، آنجا نهی و ارشاد می‌کند به ترک تشبه اما طبق این بیان ارشاد می‌کند به اتیان به سایر افراد، یعنی روزه در روزهای دیگر که ثوابش بیش از این روز است، آن هم نه اینکه در مقام جعل اینچنین باشد، بلکه تشبه به بنی‌امیه یک منقصدی ایجاد می‌کند، لکن از آنجا که نوع مکلفین همه روزها را روزه نمی‌گیرند، کأنه می‌خواهند بگویند ایها الناس روزه روز عاشورا را از آن روزهایی قرار دهید که نمی‌خواهید روزه بگیرید. به دلیل اینکه ثوابش کمتر است و ثواب روزه سایر افراد بیشتر است.

به نظر می‌رسد که این تصویری که بعضی از بزرگان برای بدلیت طولی اینجا ذکر کردند اشکال دارند و خود ایشان هم می‌گویند این خلاف ظاهر است ولی چاره‌ای نداریم برای حل این مشکل و عبور از این مسئله، از این راه عبور کنیم.

نتیجه بحث در قسم اول

به هر حال به نظر می‌رسد در قسم اول از عبادات مکروهه، یعنی مثل صوم یوم العاشور، آنچه که سابقاً گفتیم؛ تا اینجا شش راه حل گفته شد:

راه حل اول که محقق خراسانی گفتند و مسئله تراحم مستحبین بود را قبول نکردیم.

راه حل دوم که محقق نایینی فرمودند نیز مبتلا به اشکال بود.

راه حل سوم و چهارم قابل پذیرش است، در راه حل سوم گفته شد که اگر متعلق امر و نهی را متفاوت بدانیم (که اینچنین است) امر به یک چیز تعلق پیدا کرده و نهی به چیز دیگر و نسبت بین این دو متعلق و دو عنوان، چه عموم خصوص مطلق باشد و چه عموم خصوص من وجه، فرقی نمی‌کند این تفاوت و اختلاف و عدم اتحاد متعلق امر و نهی، وجود دارد.

راه پنجم این بود که مثل صاحب فصول معتقد شویم که نزاع در باب اجتماع امر و نهی فقط در عموم خصوص من وجه وارد است، و الا اگر عموم و خصوص مطلق باشد از نزاع بیرون می‌رود و ایشان قائل به جواز اجتماع شد که ما طبق همین مبنا نیز عرض کردیم که راه دارد که بگوییم آنچه منهی عنه است صوم نیست، متعلق نهی تشبه به بنی‌امیه است ولی این نهی مولوی است نه ارشادی. فرقی با راه حل ششم این است.

در راه حل چهارم و پنجم اصل سخن درست است، یعنی ما در واقع مشکلی نداریم، قائلین به اجتماع می‌توانند با تفاوتی که در این دو وجود دارد می‌توانند مشکل اجتماع امر و نهی را برطرف کنند، ولی خب این دو راه در واقع آن نقطه اصلی بحث ما که توجیه عبادت مکروه است را حل نمی‌کند. می‌خواهیم ببینیم که بالاخره این نهی که به عبادت متعلق شده است و طبق فرض محذوری هم برای اجتماعش با امر نیست، این نهی خودش چیست؟ یعنی می‌شود مثل مکروهات دیگر؟ این عبادت و صوم می‌شود مثل بقیه مکروهات؟ راه حل پنجم هم همین است. اینها در واقع تا نیمه راه می‌آیند ولی کار را تمام نمی‌کنند.

لذا تنها می‌ماند راه حل ششم. این راه به نظر ما قابل قبول است، اینکه ما امر را یک امر مولوی متعلق به عبادت بدانیم که محذوری ندارد و نهی که متعلق به فرد خاصی از عبادت شده است را بگوییم نهی ارشادی است. ارشاد به چه می‌کند؟ ارشاد می‌کند و به ما می‌گوید روزه نگیر، در واقع نهی مولوی نیست، نهی تحریمی مولوی نیست، اما می‌خواهد راهنمایی کند و دلالت کند ما را به یک موضوع، روز عاشورا روزه نگیر، لآنکه یوجب تشبهک بنی‌امیه، موجب می‌شود تو به بنی‌امیه تشبه پیدا کنی، آن منهی عنه است، آنچه منهی عنه است تشبه به بنی‌امیه است و چون این عنوان منطبق شده است بر روزه ما، این روزه مصلحت و ثواب کمتری دارد، نه اینکه مکروه اصطلاحی باشد، نه اینکه فی نفسه یک مفسده غیر لازمه الاجتناب باشد نه مفسده ندارد اصلا بلکه مصلحت و ثواب کمتری دارد.

البته این تعبیر امام خمینی باز مقداری ابهام ایجاد می‌کند که ترک التشبه اهم من صوم المستحب، یعنی کأنه باز یک اهم و مهم داریم، ترک تشبه مهمتر است از روزه، مهمتر است از روزه ای که مستحب است، امام خمینی خود ترک تشبه را دیگر نمی‌گوید مستحب است که تراحم مستحبین پیش بیاید (همانی که محقق خراسانی گفتند) بلکه می‌گوید ترک تشبه اهم است و به همین دلیل مصلحت و ثواب بیشتری دارد.

به نظر می‌رسد این راه را می‌توان برای توجیه این عبادت در قسم اول ذکر کرد و آنچه که بعضی از بزرگان فرمودند که نهی ارشادی است و ارشاد می‌کند در واقع به سایر مصادیق، با توجه به اینکه قسم اول بدل ندارد و توجیهی که ایشان برای بدل درست کردند یعنی درست کردن ابدال طولی، حداقل در این قسم جاری نیست و نمی‌شود آن را قبول کرد، ایشان هم البته این راه را برای هر سه قسم گفته است ولی به نظر می‌رسد خالی از اشکال نباشد.

فتحصل مما ذکرنا کله: در قسم اول از عبادات مکروهه راه همین است که ما نهی تنزیهی متعلق به عبادت را حمل کنیم بر ارشاد و آن هم ارشاد به ترک تشبه نه ارشاد به ترک صوم، در واقع ارشاد به آن عنوان که حالا این ترک الصوم یک مصداقی از ترک تشبه شده است.